

از نگاه تحلیل‌گران ادبیات فارسی، در فضای کنونی آموزش و پرورش یکی از بهترین راهکارهای بهبود وضع کلاس‌های انشا و نگارش، «نشویق» دانش‌آموزان است. تنها مبحثی که «اما» و «اگر»‌های کمتری نسبت به سایر راهکارهای تقویت درس انشا و نگارش در مدارس کشور دارد. شاید به این دلیل که جایگاه درس انشا به‌رغم اهمیت این راهکارها در سطح خود قرار دارد. در واقع، اهمیت این درس آن‌چنان از دید برنام‌ریزان آموزشی مغفول مانده که راهکاری بهتر از «نشویق» برای دبیران آموزش مغفول مانده تقویت انشا و نگارش در مدارس کشور است.

در این میان، انشا ارتباطی ناگسستنی با مهارت چهارم، یعنی نوشتن، دارد. اگر بخواهیم انشا را تعریف کنیم، باید بگوییم که اوج مهارت نوشتن یا جنبه هنری یک نوشته است و بدین ترتیب تفاوت بین انشا و نگارش بروز می‌کند. وقتی می‌گوییم نگارش، بیشتر مهارت نوشتن مدنظر است، اما وقتی می‌گوییم انشا، در واقع غیر از اینکه فضای لازم برای ارتباط را فراهم می‌کنم، به نوعی خلاقیت و آفرینش زیبایی را نیز در نظر می‌گیرم. تعریفی که برخی برای نگارش در مقابل انشا می‌آورند، بر این اصل مبتنی است که نگارش آموختنی اما انشا آفریندی است. انشا زمانی به وجود می‌آید که ما پدیده‌ای را به درون خودمان ببریم و بتوانیم آن را بازآفرینی کنیم و از زبان خودمان آن را به عنوان نسخه‌ای بی‌بدیل عرضه نماییم. بر این اساس، می‌توان گفت انشا نوشته‌ای است عیارمند؛ همان‌طور که طلا و ادبیات عیار دارند. توجه کنید نسبتی که ادبیات با زبان دارد، همان نسبت را انشا با نگارش دارد. در نتیجه، هرچقدر انسان مبتکرانه و بی‌بدیل‌تر بنویسد، نوشته او عیاری بالاتر دارد و هر اثر ادبی که عیار بالاتری داشته باشد، ماندگارتر است؛ همان‌طور

دروس انشا و نگارش به‌رغم اهمیت بالایی که از دید کارشناسان فن در بین دروس کشور دارند، در عرصه آموزش مدارس مغفول مانده‌اند. راهکارهای تقویت این درس از طریق روش تدریس در مدارس محور اصلی این نشست است. براین اساس، در آغاز می‌خواهیم به معانی این درس بپردازیم و از اهمیت تدریس آن‌ها در مدارس کشور صحبت کنیم.

سیدبهنام علوی مقدم، زبان‌شناس و مؤلف بنده می‌خواهم پیش از ورود به این بحث در مورد اینکه «انشا چیست» صحبت کنم. «انشا» کلمه‌ای است در باب افعال و در لغت به معنی «آغاز کردن و آفریدن» و در اصطلاح به معنی «خلق و آفرینش اثر ادبی» است. همان‌طور که می‌دانید، هر زبانی شامل چهار مهارت صحبت کردن، گوش دادن، خواندن و نوشتن است. در این میان، شناختی‌ها و فراشناختی‌ها معتقدند که زبان و تفکر دو روی یک سکه‌اند و تفاوتی با هم ندارند؛ آن‌ها وجه تمایز انسان و حیوان‌اند و سبب می‌شود که انسان با گذشتگان و معاصران خود ارتباط برقرار کند. در نهایت نیز به انسان عصر اتم و نانو تبدیل شود.



نشویق

راهکار استثنایی

میزگرد بررسی شیوه‌های تقویت
انشا و نگارش در مدارس کشور

لیلا لطفی

سنگری: معمولاً وقتی صحبت از نگارش می‌شود، نوشته‌ای عادی و معمولی مدنظر است، ولی انشا نوشته‌ای است که در آن فکر و اندیشه پرورش یافته است. در قرآن نیز این کلمه زمانی که خداوند از خلقت انسان سخن می‌گوید، به کار برده شده است

حسینی نژاد: متأسفانه ما در زمینه تدریس انشا وضع خوبی نداریم. در آموزش و پرورش اکثر دبیران خوب ادبیات فارسی نیز گرایشی به تدریس درس انشا ندارند. آن‌ها عمدتاً خواهان آموزش دستور، متن، شعر یا آرایه‌ها به دانش‌آموزان هستند

در فضای آموزشی کنونی جایگاه درس انشا را چطور ارزیابی می‌کنید؟
غلامرضا عمرانی، مؤلف کتاب‌های درسی: متأسفانه به‌رغم اهمیت درس انشا جایگاه آن در مدارس ما از آنچه باید باشد، پایین‌تر است. اگرچه این واحد درسی به ظاهر هم‌تراز با سایر دروس است، اهمیت آن از دید برنامه‌ریزان مغفول مانده است و آن را در سطح کار دستی و نقاشی دوره ابتدایی می‌بینند. با همین نگرش نیز تصور می‌کنند هر معلمی با هر میزان دانشی می‌تواند سر این کلاس بیاید و کار را به سامان برساند؛ در حالی که این تصور باطلی است. اگر محقق، معلم و نویسنده کتاب ما خودش استاد فن نباشد، نه کتابی صحیح نوشته می‌شود، نه کلاس خوبی تشکیل می‌گردد و نه دانش‌آموزی که ما می‌خواهیم تربیت می‌شود. پس باید ابتدا اهمیت این ماده درسی برای برنامه‌ریزان تبیین شود. من و شما که دست‌اندرکار این امر هستیم، آن را با گوشت و پوست خود درک می‌کنیم، اما آن‌ها به ترسیم چشم‌انداز از سوی ما نیاز دارند تا این ماده درسی را درک کنند و به خورش بیابند. آن‌ها باید بدانند اگر ما امروز اندک اعتباری در دنیای پیشرفته داریم، به خاطر صنعت، کشاورزی، ورزش و هنرمان نیست بلکه

که نوشته بزرگان شعر و ادبیات ایران کماکان ارزشمند است. محمدرضا سنگری، سردبیر: انشا و نگارش یکی از مهم‌ترین و جدی‌ترین مباحث در عرصه آموزش مدارس کشور است. همه استادان فن مرزبندی ساده‌ای بین این دو واژه قائل‌اند؛ البته برخی معتقدند انشا خودش نگارش است اما از دید بنده هر نگارشی انشا نیست. معمولاً وقتی صحبت از نگارش می‌شود، نوشته‌ای عادی و معمولی مدنظر است، ولی انشا نوشته‌ای است که در آن فکر و اندیشه پرورش یافته است. در قرآن نیز این کلمه زمانی که خداوند از خلقت انسان سخن می‌گوید، به کار برده شده است. حضرت خالق بعد از اینکه مراحل خلقت را مطرح می‌کند، می‌فرماید: «ثُمَّ أَنشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ»؛ در واقع، زمانی که روح دمیده می‌شود، کلمه انشا بیان می‌گردد. در حقیقت، انشا متنی است که روح دارد؛ متنی زنده و تأثیرگذار که روح انسان را چنگ بزند و با خودش همراه کند. در حالی که نگارش می‌تواند متنی عادی و معمولی باشد. البته این تفسیر اعتباری است و شاید برخی دوستان انشا و نگارش را یکی بدانند یا نگارش را معادل فارسی انشا بخوانند.



به خاطر نویسندگانی همچون حافظ، سعدی و بیهقی است. ما به خاطر آن‌ها هستیم و آن‌ها به خاطر قلمشان. اگر آن‌ها نیز قلمی نداشتند، هیچ نبودند. بنابراین، باید ابتدا اهمیت این ماده درسی برای برنامه‌ریزان آموزشی کشور روشن شود. در غیر این صورت، تقویت این ماده درسی در مدارس از طریق اصلاح روش تدریس همچون نمازی بدون وضو، اذان و اقامه است. همان‌طور که نماز خواندن مقررات و مقارناتی دارد، انشا و نوشتن نیز مقررات و مقارناتی دارد که باید رعایت شود و اگر نشود، در همچنان بر همین پاشنه‌ای که سال‌هاست می‌چرخد، باقی می‌ماند. البته سال‌هاست ما فریاد می‌زنیم که به این درس توجه کنیم؛ حداقل بنده ۱۵ سال است که می‌گویم این پایه همه دروس است، اما کسی توجهی نمی‌کند. البته در این مدت دبیران و معلمان ما آنچه در توان داشته‌اند، عرضه کرده‌اند. نتیجه آن هم وضعیت کنونی است یعنی هیچ، بنابراین، باید ابتدا اهمیت این درس تبیین شود تا از پایه روی آن کار کرد.

سیدحسین محمدی حسینی نژاد، مدرس و مؤلف بنده همچون استاد عمرانی معتقدم ابتدا باید مسائل و معضلات برنامه‌ریزی درسی و کتاب‌های درسی مرتفع شود و سپس به بررسی وضعیت شیوه تدریس بپردازیم؛ زیرا متأسفانه ما در زمینه تدریس انشا وضع خوبی نداریم. در آموزش و پرورش اکثر دبیران خوب ادبیات فارسی نیز گرایشی به تدریس درس انشا ندارند. آن‌ها عمدتاً خواهان آموزش دستور، متن، شعر یا آرایه‌ها به دانش‌آموزان هستند. دلیل این موضوع نیز هنوز کاملاً مشخص نیست؛ شاید به دلیل آموزش ندیدن یا به دلیل حجم بالای کتاب‌های نگارشی باشد. اغلب دبیران می‌گویند حجم بالای کتاب‌های نگارشی فرصت پرداختن به انشا را از ما می‌گیرد، اما واقعیت این است که اگر جایگاه و اولویت انشا مشخص شود، معلم ما می‌تواند از فرصت‌های محدود کلاس هم استفاده کند. البته در دوره راهنمایی آمادگی دبیران برای آموزش بیش از دوره دبیرستان است. معمولاً دبیران دبیرستان تصور می‌کنند دانای کل هستند و به بازآموزی نیازی ندارند. با این وضع، اگر ما بتوانیم دبیران نیمه علاقه‌مند و علاقه‌مند را تشویق و راهکارهایی را برای آن‌ها ارائه کنیم تا در زمان تدریس استفاده کنند، می‌توانیم تا حدودی جرقه‌هایی را در ذهن و اندیشه دانش‌آموزان ایجاد کنیم و در واقع، آن‌ها را به درس انشا علاقه‌مند سازیم؛ زیرا فرصت اندک است و ما مجبوریم در لایه‌لای دروس دستور، نگارش و ادبیات به انشا بپردازیم. روشی که خود بنده سر کلاس‌های درسم دنبال می‌کردم.

چنگیزی، مدرس: طبق بررسی‌ای که بنده انجام داده‌ام، در حال حاضر در کتاب ششم ابتدایی، تعداد تمرین‌های نگارشی آن از بین ۱۹۴ تمرین - شامل تمرین‌های زبان‌شناسی، دستور، املا و نگارش - ۱۰۶ تمرین است؛ یعنی ۵۴ درصد کتاب‌های ابتدایی وزن نگارشی دارند. در کتاب سوم راهنمایی نیز از ۱۰۹ تمرین ۵۵ تمرین مختص نگارش است؛ یعنی ۵۰ درصد تمرین‌ها وزن

نگارشی دارند. در کتاب‌های سوم دبیرستان شرایط نامساعدتر می‌شود و از بین ۱۱۷ تمرین فقط ۴۴ تمرین به نگارش اختصاص دارد. در واقع، ۳۷ درصد تمرین‌ها به نگارش می‌پردازند. نکته اسفبار این است که وقتی دانش‌آموز وارد دانشگاه می‌شود، از ۱۳۶ واحد درسی فقط ۴ واحد آن به نگارش اختصاص دارد؛ یعنی مؤلفان ما فقط ۳ درصد به نگارش اهمیت می‌دهند.

علوی مقدم: متأسفانه در شرایط کنونی فضای آموزش انشا ایده‌آل نیست. آیا دبیری که علاقه‌مند، خلاق و آفریننده نیست، می‌تواند فردی خلاق و آفریننده را تحویل جامعه دهد؟ پاسخ قطعاً «نه» است؛ همان‌طور که فردی که رانندگی یا موسیقی بلد نیست نمی‌تواند رانندگی و موسیقی آموزش دهد. یکی از معضلاتی که ما در کلاس درس با آن مواجهیم، این است که دبیر انشا بدون آموزش کافی و بدون داشتن خلاقیت درونی یا اکتسابی تدریس می‌کند. همان‌طور که می‌دانید، خلاقیت دو بعد درونی و اکتسابی دارد و اگر دبیری اولی را ندارد، باید دست کم دومی را بیاموزد تا بتواند کلاس درس انشا را به خوبی مدیریت کند. بنابراین، ابتدا باید خود دبیر آموزش ببیند و خلاقیت‌های ذاتی و ذهنی‌اش را تقویت کند و سپس به دانش‌آموزان درس بدهد.

در حال حاضر وضع آموزش دبیران ادبیات و به ویژه انشا را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

عبادت‌ی، مدرس ادبیات: یکی از مشکلات آموزشی ما این است که در مقوله انشا آموزش‌های ضمن خدمت علمی نیست. بیشتر معلمان و مدرسان این کلاس‌ها از شیوه‌های تجربی خود یا شیوه‌هایی که در چند کتاب محدود داخلی و خارجی آمده است، استفاده می‌کنند. شاید به روش‌های اجرایی مختلفی که منجر به خلق یک نوشته ادبی یا غیر ادبی می‌شوند، پرداخته شود، اما از زاویه علمی به این موضوع نگاه نمی‌کنند. برای نمونه، کسی که در این حوزه به نقش هوش کلومی، نقش و تأثیر هوش هیجانی در خلق یک نوشته آشنا باشد، بهتر می‌تواند به آموزش بپردازد. حتی می‌تواند راهکارهای ابتکاری را در حین آموزش دنبال کند. اکنون زمان آن رسیده که معلم بدانند از نظر علمی چه عناصری در خلق یک نوشته دخیل است. یکی از این عناصر تصویرهای ذهنی افراد است که یکی از راه‌های شناخت تیپ‌های شخصیتی آنان تلقی می‌شود. با این روش معلم می‌تواند درک کند برای دانش‌آموز انزواطلب، مهرطلب یا برتری‌جو از چه راهکارهایی بهره‌بردار تا او اندیشه‌هایش را روی کاغذ بیاورد. بنده تصور می‌کنم دبیران ما باید راه‌های به‌تجسم کشیدن مفاهیم انتزاعی را نیز بدانند. بر این اساس، بر «آموزش دبیران» تأکید می‌کنم و معتقدم که فقط با آموزش می‌توان به دبیران کمک کرد که بتوانند در زمان کوتاه در مدارس بهترین بازده را داشته باشند. زمان تدریس واقعاً محدود است، اما دبیران ما باید بتوانند اقدامی برای بهبود کیفیت انجام دهند.

ادامه مطلب در شماره آینده